



Feasibility of Proving the General Aspect of the Crime by Compurgation

Ensīeh Salīmī,¹ Jalāl al-Dīn Qīyāsī²

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: Ensieh.Salimi@stu.qom.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: Jalalghiasi2001@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
September 08, 2023

Accepted:
July 31, 2024

Keywords:
Consequences of crime, Intentional crimes, Public aspect of crime, Qassāma (Arabic: *القَسَامَة*, lit.: *compurgation, tribal oath consists of 50 men of the tribe swearing to being right*).



ABSTRACT

*Qassāma (Arabic: *القَسَامَة*, lit.: *compurgation, tribal oath consists of 50 men of the tribe swearing to being right*) is one of the types of evidence in substantiation of criminal claims that is specific to crimes. Among jurists, there is a difference of opinion about the possibility of punishing the perpetrator in terms of the general aspect of the crime, assuming that the principle of intentional crime is proved through qassāma. Some have not differentiated between qassāma and other evidence, considering it possible. Some have also considered the punishment of the perpetrator to be contrary to the principle of innocence (Arabic: *أصلالة البرائة*, lit.: *presumption of innocence*) and to be in favor of the defendant. This difference of opinion has led to the issuance of a unified legal opinion (uniform judicial precedent), stating that it is not possible to prove the general aspect of the crime in this case. The present research, using a descriptive-analytical method and a critique of existing views, states that the legislator considers the legal consequences of intentional behavior in cases of establishing criminal liability for the offender, without differentiating between qassāma and other evidence. One of these consequences is the ta'zīr (Arabic: *التعزير*, lit.: *discretionary punishment*) prescribed for crimes against oneself in cases of obstruction of qīshās (Arabic: *قصاص*, lit. "accountability, pursuing, or prosecuting"), as mentioned in Articles 612 and 614 of the Penal Code. The absoluteness (Arabic: *اطلاق*) of these articles also confirms the absence of the aforementioned difference. Therefore, it is possible to prove the general aspect of the crime regardless of the type of probative proof. The proof of this aspect is not based on the evidence for qassāma; rather, it relies on considerations such as the legislator's expediency in establishing the public aspect of the crime in intentional offenses and the repercussions on the perpetrators of these crimes.*

Cite this article: Salīmī, I., Qīyāsī, J. (2024). Feasibility of Proving the General Aspect of the Crime by Compurgation. *The Criminal Law Doctrines*, 20(26), 75-98.
<https://doi.org/10.30513/cld.2024.5400.1896>





امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه

انسیه سلیمی،^۱ جلال‌الدین قیاسی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
Ensieh.Salimi@stu.qom.ac.ir

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
Jalalghiasi2001@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
قسامه یکی از ادله اثبات کیفری است که مختص جنایات می‌باشد. در خصوص امکان مجازات مرتکب از باب جنبه عمومی جرم، در فرض اثبات اصل جنایت عمدی با قسامه، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی با قبول این امکان، تفاوتی میان قسامه و سایر ادله قائل نشده‌اند؛ در حالی که برخی دیگر مجازات مرتکب را خلاف اصل برائت و تفسیر به نفع متهم دانسته‌اند. این اختلاف دیدگاه‌ها منجر به صدور رأی وحدت رویه مبنی بر عدم امکان اثبات جنبه عمومی جرم در فرض موضوع شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و نقد دیدگاه‌های موجود، بیان می‌دارد که قانون‌گذار در موارد احراز مسئولیت کیفری مجرم، بدون تفاوت قائل شدن بین قسامه و سایر ادله، پیامدهای قانونی را بر رفتار عمدی وی مترتب می‌داند. از جمله این پیامدها، مجازات تعزیری مقرر از باب حیثیت عمومی جنایات بر نفس در موارد عدم امکان قصاص است که در مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی ذکر شده‌اند. اطلاق این مواد نیز مؤید عدم تفاوت بین ادله است. بنابراین، امکان اثبات جنبه عمومی جنایت، صرف نظر از نوع ادله اثباتی، وجود دارد و این امر مبتنی بر دلیل قسامه نیست، بلکه بر مبنای مصلحت سنجی قانون‌گذار در وضع حیثیت عمومی جرم در جنایات عمدی و مترتب ساختن آثار تبعی و پیامدهای مربوط به مرتکبین این جرایم است.	<p>نوع مقاله: علمی پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: پیامدهای جرم، جنایات عمدی، حیثیت عمومی جرم، قسامه.</p>



استناد: سلیمی، انسیه؛ قیاسی، جلال‌الدین. (۱۴۰۳). امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۰(۲۶)، ۷۵-۹۸. <https://doi.org/10.30513/cld.2024.5400.1896>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

در نظام قضایی ایران، اثبات جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد، اعم از جنایت بر نفس و اعضا، در چارچوب مشخص و با ادله خاصی امکان پذیر است. در راستای ارزش گذاری به جایگاه نفس در اسلام، علاوه بر روش های متعارف اثبات جرم یعنی اقرار، شهادت و علم قاضی، دلیل دیگری تحت عنوان قسامه نیز در اثبات جنایات به کار گرفته شده است.

قسامه در لغت، اسم مصدر از «اقسام» و به معنای «قسم یا سوگند» است که بر «افراد قسم خورنده» نیز اطلاق می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۸۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۸۶). در اصطلاح فقهی، به قسم هایی که در دعوی قتل یا جرح از جانب ولی دم و خویشان او ادا می شود، قسامه گفته می شود (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۱۹۷). قانون گذار نیز با بهره گیری از فقه، قسامه را به سوگندهایی اطلاق می کند که در صورت فقدان سایر ادله و احراز شرایط لوث،^۱ شاکی برای اثبات جنایت عمدی، غیر عمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می کند.

به موجب روایات، در مشروعیت قسامه به عنوان یکی از ضروریات دین تردیدی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۲۲۷) و در این زمینه پژوهش های گوناگونی نیز صورت گرفته است. با وجود این، بحث از پیامدهای مترتب بر جنایاتی که با دلیل قسامه ثابت می شوند، مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

یکی از این آثار و پیامدها، مجازات مرتکب از باب جنبه عمومی جرم در صورت اثبات وقوع اصل جنایت با قسامه است که در مورد امکان آن اختلاف نظر وجود دارد و رویه محاکم نیز متفاوت بوده است. برخی محاکم، در مواردی که جنایت عمدی با دلیل قسامه اثبات شود ولی منجر به قصاص نگردد، با کافی دانستن قسامه به عنوان

۱. لوث در لغت به معنای «پپچیدن، پوشاندن، جراحات، آلوده کردن» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۶) و در اصطلاح به قرائن و اماراتی گفته می شود که ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب آن توسط متهم را ایجاد می کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۱۰؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۰۷).

یکی از ادله اثبات در امور کیفری، به موجب مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی^۱ جنبه عمومی جرم را قابل اثبات می‌دانند. در مقابل، برخی دیگر از قضات با مضیق دانستن قلمرو قسامه در اثبات جنایت، قائل به عدم اثبات جنبه عمومی جرم در فرض مذکور هستند.

با توجه به اینکه برداشت‌های متفاوت قضات از یک موضوع در پرونده‌های مختلف، به موجب اصل ۱۶۱ قانون اساسی زمینه صدور رأی وحدت رویه توسط هیئت عمومی دیوان عالی کشور را فراهم می‌آورد، در این خصوص رأی وحدت رویه شماره ۸۱۵، در تأیید عدم امکان تعیین مجازات تعزیری، تصویب شده است.

در نظام قضایی ایران، که برگرفته از آموزه‌های فقهی است، منطق حقوقی اقتضا می‌کند که در موارد بروز اختلاف، با توجه به تفسیرالفاظ و تعبیر قانونی و روح حاکم بر قوانین، به تجزیه و تحلیل مبانی دیدگاه‌های متعارض و تطبیق آن‌ها با اصول مسلم حقوقی و مبانی فقهی پرداخته شود تا در مسیر عدالت و انصاف گام برداشته شود. این در حالی است که رویکرد منسجمی در فرایند تصویب رأی وحدت رویه مذکور اتخاذ نشده است.

در این راستا، نگاشته پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی امکان اثبات جنبه عمومی جرم در مواردی که اصل جنایت عمدی یا وصف عمدی بودن آن با قسامه ثابت شود ولی منجر به قصاص نشود، می‌پردازد و به نقد و ارزیابی آرا و رویکردهای مختلفی می‌پردازد که منشأ صدور رأی وحدت رویه مبنی بر عدم اعمال مجازات تعزیری در فرض اثبات اصل جنایت با قسامه قرار گرفته‌اند. سپس دیدگاه

۱. ماده ۶۱۲: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.»

ماده ۶۱۴: «هر کس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا ازکارافتادن عضوی از اعضا یا منجر به بیماری دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد، در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد، چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به حبس درجه شش محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه، مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می‌شود.»

برگزیده یعنی امکان اثبات جنبه عمومی جرم در فرض مورد نظر را تبیین می‌نماید.

۱. قسامه؛ دلیل اختصاصی باب جنایات

به موجب ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی، ادله اثبات در امور کیفری عبارت‌اند از: اقرار، شهادت، قسامه، سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی. در اصطلاح حقوقی، دلیل نشانه یا حکمی است که در اثبات رویدادی که به عنوان سبب دعوا مورد استناد قرار گرفته و یا در تعیین قواعد حاکم بر مسئله مورد نزاع از آن استفاده می‌شود (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ص ۲۳). ادله اثبات در امور کیفری هرآن چیزی است که بر اساس قانون قابلیت اثبات اتهام یا جرم را دارد و می‌تواند مثبت جرم یا نافی اتهام باشد (فتحی و حسنی، ۱۳۹۹، ص ۳۶).

قسامه به عنوان یکی از ادله اثبات در امور کیفری، در اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است و دارای شرایط ویژه و متمایز از سایر ادله می‌باشد. از این رو، احکام و شرایط مختص به آن در فصل چهارم از کتاب قصاص در قانون مجازات بیان شده است. این رویکرد قانون‌گذار از تعابیر فقها و روایات مرتبط با قسامه برگرفته شده است. در روایت صحیح برید عجلی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «همه دعای با قاعده «البینه علی المدعی والیمین علی المدعی علیه» اثبات می‌شود، مگر دعوی دم که با این قاعده اثبات نمی‌شود». ^۱ در روایتی دیگر نیز ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «حکم خداوند درباره دماء غیر از حکم درباره اموال است. خداوند درباره دماء حکم کرده است که بین برمدعی علیه و قسم برمدعی است» ^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۳۴).

مشهور فقها دلیل قسامه را علاوه بر جنایات بر نفس، در جنایات بر اعضا نیز مورد پذیرش قرار داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۲۵۳؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۴۲؛

۱. «عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَسَامَةِ فَقَالَ الْمُحْتَوَى كُلُّهَا - الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعَى - وَالْيَمِينُ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ - إِلَّا فِي الدَّمِ خَاصَّةً».

۲. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ - بَعْدَ مَا حَكَمَ بِهِ فِي أَمْوَالِكُمْ - حَكَمَ فِي أَمْوَالِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعَى - وَالْيَمِينُ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ - وَحَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ - أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى مَنْ ادَّعَى عَلَيْهِ».

۸۰..... آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، ش ۲۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۰؛ خوبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۳۸؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۱۳۴). با این حال، در اثبات قصاص یا دیه با دلیل قسامه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از ایشان معتقدند که اثبات قصاص با قسامه در اعضا مشکل و نیازمند دلیل است و تنها مستند حجیت قسامه در اعضا یعنی روایت صحیحه^۱ یونس^۱ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۱۵۹) تنها به پرداخت دیه پس از تعیین نصاب سوگندها اشاره کرده است و دلیل دیگری که جواز قصاص از آن استنباط شود وجود ندارد (خوبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۳۹). اما برخی دیگر از فقهای معاصر به دلیل عمومیت ادله قصاص، در ثبوت آن با قسامه تفاوتی میان قصاص عضو و قصاص نفس قائل نیستند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: سؤال ۴۲۲۱).

قانون مجازات اسلامی نیز با وجود پذیرش قسامه به عنوان دلیل اثباتی در مطلق جنایات، در جنایات وارد بر اعضا و منافع، آن را تنها مثبت دیه عنوان نموده است. به این ترتیب، ماده ۴۵۶ قانون^۲ به تبیین چگونگی اثبات دیه با قسامه در موارد جنایت بر اعضا و منافع، در صورت وجود لوث و فقدان ادله دیگر پرداخته است. به هر ترتیب، با توجه به مواد قانونی در باب قسامه و تعابیر فقها که برگرفته از روایات است، قسامه به عنوان یکی از ادله اثبات جنایات، اعم از نفس و مادون نفس، در صورت فقدان ادله دیگر و احراز شرایط لوث در قانون و شرع پذیرفته شده است.

۲. قسامه و حیثیت عمومی جرم در باب جنایات

با گذر از دوران دادگستری خصوصی و مجازات بر مبنای انتقام‌گیری شخصی، دولت‌ها خود را موظف به تأمین نظم و امنیت شهروندان و جبران خسارات وارد بر

۱. صحیحۃ یونس عن الرضا علیه السلام فیما أفتی به أمير المؤمنین علیه السلام فی الدیات: «فمنا أفتی به فی الجسد وجعله سك فرائض: النفس والبصر والسمع والكلام ونقص الصوت من الغنن والبحج والشلل فی البیدین والرجلین، ثم جعل مع كل شيء من هذه قسامة على نحو ما بلغت الدية إلى أن قال: والقسامة فی النفس والسمع والبصر والعقل والصوت من الغنن والبحج ونقص البیدین والرجلین، فهو ستة أجزاء الرجل...».

۲. ماده ۴۵۶: «در جنایت بر اعضا و منافع اعم از عمدی و غیر عمدی در صورت لوث و فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر، مجنی علیه می‌تواند با اقامه قسامه به شرح زیر جنایت مورد ادعا را اثبات و دیه آن را مطالبه کند. لکن حق قصاص با آن ثابت نمی‌شود...».

امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه / انسیه سلیمی و جلال‌الدین قیاسی .. ۸۱

افراد و جامعه دانستند. در این راستا، در موارد فقدان شاکی خصوصی یا گذشت وی، حیثیت عمومی جرم مبنایی برای شروع تعقیب برخی جرائم توسط دولت در فرایند رسیدگی قرار گرفت.

هرچند برخی حقوقدانان معتقدند که جامعه همیشه از ارتکاب بزه متضرر می‌شود و بنابراین، همه جرائم دارای حیثیت عمومی هستند (خالقی، ۱۴۰۰، ص ۴۰)، اما رویکرد قانون‌گذار نسبت به جرائم مختلف متفاوت است و در برخی جرائم، حیثیت عمومی نمود بیشتری دارد. «جنایات بر نفس و مادون نفس» از جمله شدیدترین جرائم هستند که هم جنبه خصوصی و هم عمومی دارند، و قانون ایران نیز، تحت تأثیر اندیشه‌ها و دکترین حقوقی، برای آن‌ها حیثیت عمومی در نظر گرفته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون‌گذار در سال ۱۳۶۱ با رویکرد انطباق قوانین با احکام اسلام، قانون «حدود، قصاص و مقررات آن» را تصویب کرد و جرم قتل عمد را قابل گذشت اعلام نمود، بدون اینکه برای جنبه عمومی آن از باب اخلال در نظم و امنیت جامعه مجازاتی در نظر بگیرد. این امر انتقادات و اعتراضات بسیاری را نسبت به نحوه قانون‌گذاری و عدم توجه به آثار مترتب بر جامعه به همراه داشت. به طوری که در سال ۱۳۷۰، با تصویب ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی، در مواردی که امکان قصاص به دلیل گذشت شاکی وجود نداشت و اخلال در امنیت جامعه و بیم تجری مرتکب و دیگران نیز مطرح بود، از باب حیثیت عمومی جرم برای مجرم حبس تعزیری تعیین شد. اما به دلیل کاستی‌های این مصوبه و عدم شمول تمامی موانع قصاص، مجدداً در سال ۱۳۷۵، در حمایت از امنیت و حقوق جامعه، مواد ۶۱۲^۱ و ۶۱۴^۲ قانون مجازات اسلامی به تصویب رسید.

۱. موارد شمول ماده ۶۱۲ قانون مذکور عبارت است از: عدم اقدام به شکایت توسط ولی دم یا رضایت وی، یا عفو جانی از قصاص قبل از مرگ توسط مجنی علیه (ماده ۳۶۵)، عدم امکان قصاص در مواردی مانند قتل فرزند از سوی پدر یا جد پدری (ماده ۳۰۱)، قتل دیوانه توسط عاقل (ماده ۳۰۵)، قتل کافر توسط مسلمان (ماده ۳۰۱)، قتل توسط فرد مست مسلوب‌الاختیار (ماده ۳۰۷)، سقط عمدی جنین (ماده ۳۰۶)، و قتل با اعتقاد یا ادعای مهدورالدم بودن مقتول (ماده ۳۰۳).

۲. ماده ۶۱۴ قانون مجازات، جنایات عمدی مادون نفس را که منجر به نقصان، شکستگی، ازکارافتادگی یکی

با توجه به اینکه ادله اثبات جنایات بر نفس یا مادون نفس شامل اقرار، شهادت، علم قاضی و قسامه است، در فرضی که جنایت با هریک از ادله مذکور به جز قسامه ثابت شود، اختلافی در اعمال مجازات تعزیری از باب جنبه عمومی جرم وجود ندارد. اما در مورد قسامه، این اختلاف وجود دارد که آیا اعمال مجازات تعزیری به موجب مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی در مواردی که قصاص به دلیل وجود مانع اجرا نمی‌شود، امکان پذیر است یا خیر. این اختلاف در دو بخش جنایات وارد بر نفس و جنایات وارد بر اعضا و منافع مطرح می‌گردد.

۱-۲. حیثیت عمومی جنایات بر نفس

در جنایات بر نفس، اثبات حکم قصاص با توسل به دلیل قسامه در دو فرض امکان پذیر است:

الف) در مواردی که وقوع قتل عمدی، با احراز شرایط لوث و به دلیل عدم وجود سایر ادله، به موجب قسامه محرز می‌شود.

ب) در مواردی که اصل جنایت قتل با سایر ادله غیر از قسامه، یعنی اقرار، شهادت یا علم قاضی، ثابت شده و تنها وصف عمدی بودن آن با قسامه به اثبات می‌رسد. با توجه به اینکه اعمال تعزیر از باب جنبه عمومی جرم در بحث پیش رو، مقید به اثبات عمدی بودن جنایت است و عمدی بودن جنایت نیز با دلیل قسامه ثابت می‌شود، این موارد نیز همچون فرض قبل مجرای بحث قرار می‌گیرند.

اما اگر تنها اصل جنایت و انتساب آن به مرتکب به موجب قسامه ثابت شود و نه خصوصیات آن، به موجب ماده ۳۳۰ قانون مجازات اسلامی،^۱ تنها حکم به ثبوت دیه داده می‌شود. این فرض به دلیل عدم اثبات عمدی بودن جنایت و عدم صدور

از اعضا، بیماری دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع و یا زوال عقل گردد و امکان قصاص فراهم نباشد، شامل می‌شود. همچنین، به موجب تبصره آن، اگر آلت به کار برده شده در جرح، اسلحه، چاقو و امثال آن باشد، اما منجر به ضایعات فوق نشود، از باب حیثیت عمومی مجازات حبس در پی خواهد داشت.

۱. ماده ۳۳۰: «اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود یا سوگند خورندگان بر آن خصوصیات سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند، اصل ارتکاب جنایت اثبات می‌شود و دیه تعلق می‌گیرد».

امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه / انسیه سلیمی و جلال‌الدین قیاسی . ۸۳

حکم قصاص، از موضوع بحث یعنی جنبه عمومی جرم در موارد وجود مانع بر قصاص خارج است.

۲-۲. حیثیت عمومی جنایات بر اعضا و منافع

در مواردی که قسامه به عنوان دلیل اثبات جنایت بر اعضا و منافع مطرح می‌شود، به موجب ماده ۴۵۶ قانون مجازات اسلامی، چه در جنایات عمدی و چه غیرعمدی، حق قصاص با قسامه ثابت نمی‌شود. براین اساس، ممکن است اعمال جنبه عمومی جرم در موارد اثبات جنایت عمدی با قسامه، به موجب ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، مورد تردید قرار گیرد، زیرا عدم اطلاق حکم قصاص بر آن عملاً اعمال مجازات تعزیری از باب جنبه عمومی جرم را ناممکن جلوه می‌دهد. با این حال، برخی حقوق دانان اعمال مجازات تعزیری از باب حیثیت عمومی جرم را در موارد ثبوت جنایت عمدی بر اعضا و منافع نیز ممکن دانسته‌اند، با این استدلال که عمدی بودن جنایت با دلیل قسامه ثابت شده است و احتیاط در خون است که مانع از صدور حکم قصاص برای مرتکب می‌شود (زراعت، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۴۸).

در تأیید این دیدگاه، می‌توان استدلال نمود که:

اولاً، با صراحت و اطلاق ماده ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی،^۱ اعمال تعزیر در موارد ثبوت جنایت عمدی بر اعضا و منافع در موارد عدم امکان قصاص نیز شامل فرض موضوع بحث می‌شود.

ثانیاً، همان‌طور که قانون‌گذار در جنایات بر نفس، در مواردی که شرعاً و قانوناً مستوجب قصاص نمی‌باشد (مانند قتل فرزند توسط پدر)، حکم به مجازات تعزیری از باب جنبه عمومی جرم و اعمال ماده ۶۱۲ قانون داده است، در اینجا نیز با توجه به وحدت ملاک، امکان اعمال ماده ۶۱۴ قانون از باب جنبه عمومی جرم وجود خواهد داشت.

ثالثاً، اکثر فقهای امامیه قسامه را در جنایت بر اعضا نیز همچون قتل جاری

۱. ماده ۳۸۶: «مجازات جنایات عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی‌علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق قانون از حیث دبه و تعزیر عمل می‌شود».

دانسته‌اند و تنها در نصاب قسامه اختلاف نظر دارند. برخی با تمایز میان جنایات عمدی و غیرعمدی، به تناسب دیه کامل عضو، قائل به نصاب پنجاه سوگند و بیست و پنج سوگند هستند (ابن ادریس، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۴۰). در مقابل، برخی دیگر به طور مطلق و بدون تفاوت گذاری میان جنایات عمدی و غیرعمدی، نصاب قسامه را در دیه کامل عضو شش سوگند و در کمتر از آن به نسبت، تعیین کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۲۳؛ حلی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۳۱۳). گرچه قانون گذار دیدگاه اخیر را در ماده ۴۵۶ مدنظر قرار داده است، اما باید توجه داشت که تعداد نصاب یکسان در اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی بر اعضا تأثیری در آثار مترتب بر جنایت عمدی ندارد. زمانی که عمدی بودن جنایت ثابت شود، مجازات تعزیری از باب حیثیت عمومی جرم بر آن مترتب است، حتی اگر قصاص با دلیل قسامه ثابت نشود.

بنابراین، فرض بحث تنها منحصر به اثبات جنایت بر نفس یا اثبات خصوصیت عمدی بودن آن با دلیل قسامه نیست، بلکه موارد ثبوت جنایت بر اعضا و منافع را نیز شامل می‌شود، حتی با وجود عدم امکان قصاص. از این رو، حقوق دانان در امکان اثبات جنبه عمومی جرم در فرض اثبات اصل جنایت با دلیل قسامه، تفاوتی میان جنایات بر نفس و جنایات بر اعضا و منافع قائل نشده‌اند و دیدگاه‌های معارض خود را بیان کرده‌اند.

۳. بررسی دیدگاه‌ها در اعمال حیثیت عمومی جنایات در قسامه

در موارد اثبات جنایت با قسامه، دو دیدگاه مغایر در مورد اعمال مجازات از باب جنبه عمومی جرم وجود دارد. برخی از حقوق دانان معتقدند هرگاه قصاص به هر دلیلی اجرا نشود، امکان اعمال مجازات‌های مذکور در ماده ۶۱۲ قانون مجازات راجع به قتل عمدی و ماده ۶۱۴ راجع به جرح عمدی علیه محکوم علیه وجود نخواهد داشت، زیرا قسامه یکی از ادله خاص است که صرفاً در راستای اثبات یا نفی قصاص و دیه به کار می‌رود (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ص ۴۸۹). اما در رویه محاکم، دیدگاه متفاوتی نیز وجود دارد که اثبات جنبه عمومی جرم را در این فرض محرز می‌داند.

امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه / انسیه سلیمی و جلال‌الدین قیاسی . ۸۵

برای نمونه، در پرونده‌ای، شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان مرکزی با احراز و اثبات وقوع جرم از طریق لوث و قسامه، در جنایت بر عضو، علاوه بر محکومیت مرتکب به پرداخت دیه در حق شاکی، حکم به محکومیت وی به تحمل مجازات از باب جنبه عمومی جرم را تأیید کرده است. در حالی که شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر همین استان، لوث و قسامه را از دلایل و طرق احراز و اثبات وقوع جرم تلقی کرده، اما این طریق احراز و اثبات جرم را مستند قانونی بر محکومیت مرتکب به تحمل مجازات از جهت جنبه عمومی جرم نمی‌داند.

تکرار این اختلاف دیدگاه در محاکم منجر به صدور رأی وحدت رویه شماره

۸۱۵-۸/۱۸/۱۴۰۰ شد:

«با عنایت به تعریف قسامه در ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اینکه مطابق ماده ۲۰۸ این قانون، حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود، لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می‌گردد و صراحت تبصره ماده ۱۶۰ همین قانون مبنی بر اینکه قسامه برای اثبات یا نفی قصاص و دیه معتبر است، و همچنین با توجه به اینکه مطابق ماده ۴۵۶ قانون یادشده در جنایت بر اعضا و منافع، حق قصاص با قسامه ثابت نمی‌شود، بنابراین قسامه دلیلی است که صرفاً برای اثبات حق خصوصی اشخاص در موارد منصوص معتبر دانسته شده (و نه به طور مطلق) و در نتیجه تعیین مجازات تعزیری برای جنبه عمومی جرم بر اساس آن فاقد وجهت قانونی است».

۳-۱. دیدگاه موافقین و ارزیابی آن

موافقین اعمال جنبه عمومی جرم در فرض محل بحث، برای اثبات مدعای خود

که در صدر رأی وحدت رویه نیز به آن اشاره شده، بیان می‌دارند:

«با توجه به اینکه به همان اندازه که اقرار و سایر دلایل به قاضی علم می‌دهند، قسامه نیز به قاضی علم برای احراز جرائم می‌دهد. اگر اثبات جرم با انجام قسامه از بابت لوث باشد، چون قسامه یکی از طرق اثبات جرم محسوب می‌شود، جنبه عمومی آن بر اساس ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی قابل اعمال خواهد بود، زیرا مجازات تعزیری مقرر در این ماده برای حفظ نظم و صیانت و امنیت جامعه و

جلوگیری از تجری مرتکب یا دیگران تعیین شده و طریق اثبات جنایت مطرح نیست. از طریق هر یک از ادله که جرم ثابت شود، جنایت ثابت شده از لحاظ جنبه عمومی مشمول مقررات تعزیری حاکم بر موضوع است. چنانچه جرح عمدی با قسامه ثابت شود و عمل مذکور باعث جری شدن متهم گردد، اعمال جنبه عمومی بلامانع است» (پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، رأی وحدت رویه شماره ۸۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور).

در استدلال این دیدگاه، به علم آور بودن قسامه برای قاضی اشاره شده و این که قسامه با احراز شرایط لوث همچون اقرار و سایر ادله، موجب علم قاضی می‌شود. در نتیجه، جنبه عمومی جرم نیز از این طریق قابل اثبات است.

ارزیابی این دیدگاه: اولاً، علم قاضی به عنوان یک دلیل مستقل در کنار سایر ادله مانند اقرار و شهادت در اثبات جنایت موضوعیت دارد. زمانی که رعایت نصاب اقرار و شهادت برای جرائم خاص ممکن نباشد، اقرار و شهادت کمتر از نصاب مقرر به عنوان اماره قضایی می‌تواند موجب علم قاضی شود و در این صورت، علم قاضی مستند اصلی رأی خواهد بود و ادله تنها راه رسیدن به علم هستند (زراعت، ۱۳۹۷، ص ۴۴). بنابراین، صدور مجازات تعزیری از باب جنبه عمومی جرم در مواردی که جنایت به موجب اقرار یا شهادت ثابت می‌شود، همواره ملازمه‌ای با ایجاد علم برای قاضی ندارد.

ثانیاً، قسامه به عنوان یکی از ادله اختصاصی اثبات جنایت، در طول سایر دلایل مانند اقرار، بینة و علم قاضی قرار دارد و به موجب ماده ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی زمانی جاری می‌شود که هیچ‌یک از ادله اثبات جرم وجود نداشته باشد. بنابراین، با وجود علم قاضی، دیگر نوبت به قسامه نمی‌رسد و وقوع تعارض میان قسامه و سایر ادله اثبات دعوی نیز منتفی است (زراعت و متقی اردکانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). همچنین، ماهیت قسامه به نحوی است که به سبب مجموعه شرایطی که صرفاً ایجاد ظن برای قاضی می‌کند (لوث) و علم آور نیست، واقع می‌شود.^۱

۱. در اینکه ظن معتبر در لوث، ظن شخصی یا نوعی باید باشد، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برای مطالعه بیشتر نک: آقایی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۴۷ و میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۶۵.

شاید دلیل این ادعای موافقین مبنی بر حصول علم برای قاضی به موجب قسامه را بتوان در لزوم رعایت شرایط اساسی برای اجرای قسامه جستجو کرد؛ شرایطی مانند قسم خوردن از روی علم و یقین، بیان قیودی همچون فرد قاتل، مقتول، نسب و وصف آنها برای زدودن ابهام، تعیین نوع قتل از جهت عمد، شبه عمد یا خطا، و نحوه ارتکاب به طور انفرادی یا اشتراکی (نک: موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۱). بدین معنا که اگر قاضی در اجرای قسامه چنین اموری را در نظر بگیرد و شرایط اساسی تحقق لوث را دقیقاً رعایت کند، پس از اجرای قسامه، به وقوع قتل یا جرح به وسیله متهم اطمینان می یابد و همین امر وجدان وی را برای صدور رأی محکومیت متهم راضی می کند و به حکم شرع، موضوعی برای اصل برائت باقی نمی ماند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴).

در پاسخ به این استدلال باید بیان کرد که ممکن است در مواردی قسامه علم آور باشد، ولی در این صورت، همان طور که اشاره شد، علم قاضی به عنوان دلیل اثبات موضوعیت پیدا می کند و نه قسامه.

۲-۳. دیدگاه مخالفین و ارزیابی آن

در مخالفت با اثبات جنبه عمومی جرم به وسیله قسامه، نماینده دادستان در صدر رأی وحدت رویه این گونه استدلال نموده است:

«اولاً با توجه به اینکه در فقه و حقوق اسلامی، بار اثبات ادعا در همه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری بر عهده مدعی است و مدعی باید بر پایه قاعده «البینه علی المدعی والیمین علی من أنکر» بر صحت ادعای خود دلیل بیاورد، لازم به ذکر است که این قاعده علاوه بر مستندات روایی، مورد اجماع فقها و تأیید عقلانیز هست. قسامه نیز یکی از نهادهای مورد پذیرش فقهاست که استثنایی بر اصل مذکور است و خلاف قاعده بودن این نهاد، محدودیت قلمرو کاربردی آن را دوچندان می نماید. به همین دلیل، قسامه تنها در جهت اثبات جرائم خاصی حاکمیت داشته و از این حیث قانون گذار برای مدعی العموم در خصوص ورود به جنبه عمومی جرم، تکلیفی در نظر نگرفته است، زیرا قسامه، دلیلی خاص است که فقط مثبت قصاص یا دیه بوده و توسط به قیاس در امور کیفری جهت تعیین مجازات ممنوع می باشد. بر اساس

این اصل، قانون‌گذار نیز پیش‌بینی مهلتی برای اقامه قسامه نکرده است و در صورت عدم امکان اجرای مراسم قسامه، دادگاه را ملزم به آزادی متهم می‌کند. بنابراین، با توجه به موازین شرعی، از جمله فتاوی فقها عظام، مقررات قانونی و رویه قضایی این است که مراد شارع از تشریح احکام و قواعد فقهی و همچنین منویات مقنن از وضع مقررات قانونی راجع به موارد لوث و قسامه، تأمین حقوق اولیای دم و مجنی‌علیه در تقاضای قصاص و یا مطالبه دیه است. براین اساس، در صورت اثبات اصل جنایت از طریق لوث و قسامه، تنها حق مطالبه قصاص و یا دیه برای اولیای دم و یا مجنی‌علیه ثابت می‌گردد و در مواردی که مجازات غیر از قصاص و دیه است، جوازی برای اعمال احکام و مقررات مربوط به لوث و قسامه وجود ندارد. بنابراین، در صورت اثبات اصل جنایت از طریق لوث و قسامه و اثبات حق مطالبه قصاص و یا دیه، بر اساس اصل برائت، قاعده درء، قبح عقاب بلا بیان، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، و اصل تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم، جوازی برای محکومیت مرتکب به مجازات دیگر، از جمله تحمیل مجازات از باب جنبه عمومی جرم، وجود نخواهد داشت. در این مورد، استدلال شعبه‌ای که معتقد به تعیین مجازات تعزیری علاوه بر مجازات قصاص است، به نظر اینجانب، بر پایه قیاس استوار است که توسل به آن ممنوع و برخلاف اصول مسلم مذکور می‌باشد...» (پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، رأی وحدت رویه شماره ۸۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور).

بر اساس بیانات نماینده دادستان هنگام صدور رأی وحدت رویه، محور اصلی استدلال مخالفین اثبات جنبه عمومی جرم بر «خلاف قاعده بودن نهاد قسامه»، «لزوم اجرای اصل برائت»، «تفسیر به نفع متهم» و دیگر اصول مشابه استوار است. همچنین به ممنوعیت تمسک به قیاس نیز اشاره شده است. در ادامه به نقد این موارد می‌پردازیم.

۱-۲-۳. خلاف قاعده بودن قسامه

چنان‌که پیش‌تر در بیان برخی روایات مرتبط با قسامه ذکر شد، منظور از خلاف قاعده بودن قسامه این است که برخلاف تمام دعاوی که به موجب قاعده «البینه علی المدعی والیمین علی المدعی علیه» با اثبات دعوا بر عهده مدعی و یمین بر عهده

مدعی علیه است؛ در قسامه، این مدعی است که قسم یاد می‌کند. البته برخی معتقدند که در قسامه نیز مانند سایر ادله، بینة بر عهده مدعی است؛ لیکن بینة ای که او اقامه می‌کند به معنای اصطلاحی در فقه نیست؛ بلکه بینة به معنای اعم مراد است. در فرض پذیرش مغایرت قسامه با اصل مذکور نیز، این مغایرت از نوع مغایرت خاص با عام است و بدیهی است که چنین مغایرتی در بیشتر مسائل فقهی وجود دارد (محقق داماد، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۳۱۰).

در هر صورت، از آنجایی که در موارد خلاف اصل و قاعده باید به قدر متیقن اکتفا کرد، قلمرو کاربرد قسامه را، همان طور که در استدلال مذکور آمده بود، باید محدود به اثبات قصاص یا دیه دانست و نباید برای اعمال جنبه عمومی جرم به آن استناد کرد.

پاسخ به این استدلال آن است که از دلیل قسامه در جهت اثبات جنبه عمومی جرم استفاده نمی‌شود؛ بلکه این دلیل تنها اثبات موضوع (جنایت) را بر عهده دارد. از سوی دیگر، قانون‌گذار بنا به مصالحی که در نظر دارد، احکامی را به طور مطلق بر آن موضوع مترتب می‌سازد که از جمله آن احکام، اعمال مجازات‌های تعزیری از باب حیثیت عمومی جرم است. بر این اساس، خلاف قاعده بودن قسامه ارتباطی با مدعای مورد بحث پیدا نمی‌کند.

۳-۲-۲. اصل برائت و تفسیر به نفع متهم

دیگر استدلال مخالفین، تکیه بر اصل برائت، قاعده درء، قبح عقاب بلا بیان، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، و اصل تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم است. این استدلال نیز در ادامه استدلال قبلی ارزیابی می‌شود. باید گفت که مجرای توسل به اصولی همچون اصل برائت، اصل تفسیر به نفع متهم و سایر اصول مشابه، جایی است که شک و تردید در مراد قانون‌گذار وجود داشته باشد و نتوان با استناد به ادله لفظی و شواهد و قرائن معتبر آن را بر طرف ساخت. بنابراین، در بحث مورد نظر، با توجه به اینکه قانون‌گذار آثار مشخصی را به طور مطلق بر جرم واقع شده (جنایات عمدی) تعیین کرده است، اساساً شکی باقی نمی‌ماند تا نوبت به اجرای اصول یاد شده برسد.

به بیان دیگر، همان گونه که در فقه، امارات شرعی بر اصول شرعی حاکم هستند، در حقوق نیز اصولی چون تفسیر به نفع متهم، محکوم هر دلیل ظنی هستند که به نحوی کاشف از مراد مقنن باشد. قاعده تفسیر به نفع متهم نیز در موارد شک جاری می شود و با کشف مراد مقنن، شکی باقی نمی ماند تا بر اساس آن به قاعده مذکور عمل شود (قیاسی، ۱۳۹۸، ص ۳۵۹).

۳-۲-۳. ممنوعیت تمسک به قیاس در امور کیفری

یکی دیگر از دلایلی که مخالفین اثبات جنبه عمومی جرم مطرح می کنند، ممنوعیت تمسک به قیاس در امور کیفری است. آن ها معتقدند که استدلال گروه موافق بر پایه قیاس استوار است.

در پاسخ به این دلیل، ابتدا باید گفت اولاً مراد از قیاس مورد انتقاد و فرع آن در موضوع بحث به روشنی مشخص نشده است. احتمالاً مراد از قیاسی که گفته شده در کلام موافقین وجود دارد، این است که قسامه را با شهادت و اقرار قیاس کرده اند. چنان که پیش تر ذکر شد، آنان معتقدند همان طور که اقرار و شهادت موجب علم برای قاضی می شود، قسامه نیز علم آور است. بنابراین، حکم اثبات جنبه عمومی جرم از طریق اثبات جرم با دلیل اقرار و شهادت را به دلیل قسامه تسری داده اند.

ثانیاً، بر فرض وجود قیاس در استدلال گروه موافق، باید گفت که هر نوع قیاسی ممنوع نیست. بلکه برخی از انواع قیاس، مانند قیاس منصوص العله، قیاس اولویت و قیاس با تنقیح مناط قطعی، در مسائل شرعی و حقوق عرفی جایز است (قیاسی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۰).

البته، گروه مخالف نیز خود در استدلالشان، همان طور که نقل شد، از تعبیر «طریق اولی» استفاده کرده اند. گرچه با توجه به ابهام موجود در عبارات، دریافت مفهوم مورد نظر ایشان از اولویت امکان پذیر نیست، اما به هر حال، این تعبیر به نوعی قیاس معتبر اشاره دارد که «قیاس اولویت» نامیده می شود. قیاس اولویت یا همان مفهوم اولویت، در جایی مطرح است که حکم در منطوق و مفهوم از یک سنخ باشد و ملاک حکم در مفهوم اقوی از ملاک حکم در منطوق باشد (قیاسی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۵).

۴. دیدگاه برگزیده؛ مبانی و استدلال‌ها

با ارزیابی مبانی و مستندات دیدگاه‌های موافق و مخالف در امکان یا عدم امکان اعمال حیثیت عمومی جرم در موارد ثبوت جنایت با قسامه، مشخص شد که مستندات ارائه شده در دیدگاه مخالف با اشکال مواجه‌اند و دلیل معتبر دیگری نیز برای آن وجود ندارد. در دیدگاه موافق نیز برخی استدلال‌های مطرح شده مورد انتقاد قرار گرفت، اما در ادامه، این دیدگاه، یعنی امکان اثبات جنبه عمومی جرم با قسامه، به عنوان دیدگاه برگزیده با ادله و مستندات دیگری مورد اثبات قرار خواهد گرفت.

۴-۱. فلسفه وضع مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی و اطلاق آن‌ها

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، قانون «حدود، قصاص و مقررات آن» که پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسید، قتل عمد را با توجه به مبانی فقهی آن «جرم قابل گذشت محض» تلقی کرد و از باب اخلال در امنیت عمومی، برای آن مجازاتی در نظر نگرفت. از این‌رو، قاتلان با پرداخت دیه یا مصالحه با اولیای دم، بدون هیچ مجازات دیگری از مجازات قصاص رهایی می‌یافتند. این در حالی بود که قانون مذکور برای قتل غیرعمد ناشی از تصادفات رانندگی، با وجود گذشت اولیای دم، مجازات حبس برای مرتکبین پیش‌بینی کرده بود. انتقادات بسیار در این زمینه، سبب پذیرش جنبه عمومی جرم در سال ۱۳۷۰ و اصلاحات آن در سال ۱۳۷۵ و جرم‌انگاری مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات گردید.

با توجه به سوابق تاریخی و تفسیر منطقی^۱ از مواد قانونی مذکور، مقصود واقعی مقنن در وضع آنها، تفوق مصلحت جامعه، بازداشتن مرتکب و سایرین از ارتکاب قتل و صدمه جانی به دیگران، حتی در فرض عدم امکان قصاص و اخلاقی است که به موجب وقوع جنایت در اخلاق و امنیت جامعه ایجاد می‌شود.

این موضوع به قدری دارای اهمیت است که برخی از حقوقدانان معتقدند مقید نمودن تعزیر مرتکب قتل عمد در ماده ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون به تحقق ضرورت «اخلال در

۱. تفسیر منطقی - توضیحی، نوعی تفسیر قانونی است که جهت کشف مراد و مقصود واقعی قانون‌گذار صورت می‌گیرد.

نظم و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران^۱ آثار نامطلوبی در پی خواهد داشت (آقایی نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۴۳). علاوه بر اینکه منتهی نشدن اقدام مرتکب به چنین نتایجی بعید است و می‌توان گفت که این مجازات تعزیری باید علیه همه قاتلان عمدی که قصاص نمی‌شوند، اجرا شود. به ویژه آنکه مرتکب در هر حال عمل حرامی را مرتکب شده است و در نتیجه باید تعزیر گردد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۱).

بنابراین، علت وضع مجازات مواد اخیرالذکر، حفظ مصالح جامعه و جلوگیری از تجری مرتکب و دیگران بوده است و این ارتباطی به نحوه اثبات جرم ندارد. کما اینکه در قانون ۱۳۶۱ نیز این مجازات برای قاتلان اعمال نمی‌شد؛ چه جنایت آنها با اقرار و شهادت ثابت می‌گردید و چه با قسامه.

در این راستا می‌توان به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۲۸۳ مورخ ۱۵/۰۹/۱۳۹۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز اشاره کرد که بنابر نظر اکثریت کمیسیون قوانین جزایی «... در جنایت بر اعضا، قسامه جنایت را ثابت می‌کند، اما چنین جنایتی که با قسامه ثابت شده، قابل قصاص نیست و در صورت عمدی بودن این جنایت، اگر از مصادیق مذکور در ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و یا مشمول تبصره آن باشد، واجد جنبه عمومی است و دادگاه با احراز شرایط مندرج در ماده مذکور، متهم را به مجازات تعزیری محکوم می‌کند، زیرا مجازات تعزیری مقرر در این ماده برای حفظ نظم و صیانت و امنیت جامعه و جلوگیری از تجری مرتکب یا دیگران مقرر شده و لذا طریق اثبات جنایت مطرح نیست و از طریق هر یک از ادله اثبات جرم ثابت شود، جنایت ثابت شده از لحاظ جنبه عمومی مشمول مقررات تعزیری حاکم بر موضوع است».

علاوه بر این، تفسیر لفظی^۲ از منطوق دو ماده مذکور بر اطلاق تعبیر در متن مواد دلالت دارد و قرینه‌ای هم بر تقیید آنها به سایر ادله جز دلیل قسامه و انصراف آنها از

۱. تشخیص این امر، طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۴۸ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۶ اداره کل حقوقی قوه قضاییه، با مرجع قضایی رسیدگی کننده می‌باشد.

۲. تفسیر لفظی، نوعی از تفسیر قانون است که با استفاده از قواعد کلی زبان شناختی و قواعد اصولی صورت می‌گیرد.

امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه / انسیه سلیمی و جلال‌الدین قیاسی . ۹۳
قسامه وجود ندارد. از این رو، اطلاق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی نیز شامل همه ادله اثباتی در امور کیفری می‌شود.

۴-۲. ترتب آثار و پیامدها در جنایات عمدی، صرف نظر از ادله اثباتی

به موجب قانون، برخی از رفتارها جرم دانسته شده و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته شده است. وقتی فردی مرتکب عملی شود که به موجب قانون، فعل مجرمانه به او قابل انتساب باشد و از اهلیت کیفری یعنی بلوغ، عقل، قصد، رضا و علم برخوردار باشد، مسئولیت کیفری آن جرم و عواقب آن بر عهده وی خواهد بود (قیاسی و ساریخانی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۶-۱۷). در این موارد و به مقتضای ویژگی جرائم ارتکاب یافته، قانون‌گذار با هدف بازدارندگی، سزادهی و منفعت اجتماعی، علاوه بر مجازات اصلی، آثار و پیامدهایی را نیز بر آن مترتب می‌سازد که فرد با داشتن مسئولیت کیفری باید آن پیامدها را نیز تحمل نماید.

در موارد وقوع جنایت عمدی نیز به همین صورت، آثاری بر رفتار مجرمانه فرد مترتب می‌شود و در این راستا نوع ادله اثباتی اعم از اقرار، شهادت، علم قاضی یا قسامه در مترتب شدن پیامدهای ناشی از جرم، از جمله حیثیت عمومی، هیچ‌گونه تأثیری ندارد. از جمله این آثار، اعمال مجازات تبعی و ممنوعیت از ارتب بری قاتل در موارد ثبوت قتل عمد با قسامه است.

۴-۲-۱. اعمال مجازات تبعی

از جمله پیامدهایی که قانون‌گذار برای جنایات ارتکابی عمدی در نظر گرفته است، مجازات تبعی است که از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی بوده و هیچ‌گاه در حکم دادگاه قید نمی‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۷۲). برخی از جرائم، به ویژه موضوع مورد بحث یعنی جنایات، اگر به طور عمدی واقع شوند، به موجب ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعی نیز در مورد آن‌ها اعمال خواهد شد. بدین صورت که مجرم در موارد محکومیت به مجازات سالب حیات، مانند قصاص که به هر دلیلی منتفی شود، به مدت ۷ سال و در محکومیت به قصاص عضو، بنا به میزان دیه، به مدت ۳ یا ۲ سال به محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکوم خواهد شد.

براین اساس، در جرم قتل و ضرب و جرح عمدی که با هر یک از ادله اقرار، شهادت، قسامه یا علم قاضی ثابت شده باشد، مجازات تبعی و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی به تناسب نوع رفتار و عمل مجرمانه، بدون قید در حکم دادگاه به صورت خودبه خود جاری می‌شود و در مترتب شدن آن بر جرم، به نوع ادله اثباتی توجهی نمی‌شود.

در تأیید این مطلب می‌توان به نظریه مشورتی شماره ۹۷/۲۵/۸۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نسبت به این سؤال اشاره کرد که «چنانچه قتل عمدی مستوجب قصاص با قسامه ثابت شود و پس از قطعیت حکم، اولیای دم اعلام گذشت نمایند، پس از صدور قرار موقوفی اجرای قصاص از سوی قاضی اجرای احکام، آیا مجازات تبعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی اعمال می‌گردد یا خیر؟».

نظر اکثریت کمیسیون قوانین جزایی در پاسخ به این سؤال بدین شرح است: «نظر به اینکه در قوانین فعلی اصولاً جرم قتل عمد غیرقابل گذشت است و صرف گذشت اولیای دم از جنبه قصاص نفس، آن را مشمول حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نمی‌نماید، بنابراین فرض مطروحه مشمول بند الف ماده اخیرالذکر است». براین اساس، در صورت اثبات قتل عمد با قسامه، مرتکب به مدت هفت سال به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی خود محروم می‌گردد، حتی در فرضی که به عنوان یکی از موانع قصاص، اولیای دم از اجرای قصاص نفس وی گذشت نموده باشند.

۴-۲-۲. ممنوعیت از ارتب بری قاتل

از دیگر اثرات قانونی و شرعی مترتب بر جنایت عمدی، ممنوعیت از ارتب بردن قاتل در صورت احراز رابطه خویشاوندی موجب ارتب با مقتول است. ماده ۸۸۰ قانون مدنی، قتل عمد را از موانع ارتب برشمرده است؛ اعم از اینکه بالمباشره یا به تسبیب باشد، یا منفرداً یا به شرکت باشد. بنابراین، اگر فردی به طور عمدی مورث خود را به قتل برساند، در صورتی که مقتول به هنگام قتل در مقام مورث قاتل باشد و مرگ مورث نتیجه فعل آگاهانه و عدوانی وارث باشد و مرگ نیز به حکم قانون و در مقام

امکان سنجی اثبات جنبه عمومی جنایت با قسامه / انسیه سلیمی و جلال‌الدین قیاسی .. ۹۵

دفاع نباشد، قاتل از ارث بردن از وی محروم می‌شود (شهیدی، ۱۴۰۱، ص ۷۹-۸۴). در این موضوع تفاوتی نمی‌کند که قتل عمد با اقرار، بینه، قسامه یا علم قاضی ثابت شده باشد؛ این اثر به صرف تحقق قتل عمد و احراز شرایط ارث‌بری محقق خواهد شد.

بنابراین، همان‌طور که در موارد مذکور، اختصاص یافتن قسامه به باب جنایات مانع از اعمال مجازات تبعی و ممنوعیت ارث‌بری قاتل از مقتول نمی‌گردد، اعمال مجازات تعزیری ناشی از جنبه عمومی جرم نیز در صورت اثبات جنایت با قسامه با مانع روبه‌رو نمی‌باشد.

۳-۴. اولویت نسبت به قتل غیرعمد

قانون‌گذار به موجب ماده ۶۱۶ و ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی، در مواردی از قتل غیرعمد که به موجب بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شده باشند، برای مرتکب، علاوه بر دیه، از باب جنبه عمومی جرم، حبس تعیین نموده است. در این صورت چطور ممکن است نسبت به مرتکب قتل عمدی، در صورت عدم امکان قصاص و لودر صورت اثبات با قسامه، هیچ مجازاتی تعیین نکرده باشد؟

در حالی که اثبات اصل جنایات عمدی یا وصف آن با تحقق شرایط لوث واقع می‌شود و بعضاً جنایات مذکور با به‌کارگیری سلاح، اعم از سرد و گرم، صورت می‌گیرد و نظم و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد. از این رو، با مفهوم اولویت، در جنایات عمدی به طریق اولی، اعمال مجازات جنبه عمومی جرم برای مرتکبین باید در نظر گرفته شود و نوع ادله اثباتی نیز نباید در آن تأثیری داشته باشد.

نتیجه‌گیری

دلیل قسامه به عنوان یکی از ادله اثبات در امور کیفری، اختصاص به جنایات دارد. قانون‌گذار به موجب مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی، از باب حیثیت عمومی جرم، برای مرتکبین جنایات عمدی، اعم از نفس و مادون نفس، مجازات تعزیری در نظر گرفته است. اما در موارد اثبات جنایت یا وصف عمدی بودن آن با

دلیل قسامه، میان حقوقدانان و قضات در تعیین مجازات از باب جنبه عمومی جرم اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه مخالف با استناد به خلاف قاعده بودن قسامه، لزوم اجرای اصل برائت و تفسیر به نفع متهم و ممنوعیت تمسک به قیاس، زمینه صدور رأی وحدت رویه ۸۱۵ را فراهم نموده است. نسبت به ادله مورد استناد این دیدگاه، نقد و خدشه وارد است و علاوه بر این، دلایلی نیز بر دیدگاه دیگر و در جهت اثبات حیثیت عمومی جرم در جنایات عمدی اثبات شده با دلیل قسامه وجود دارد.

اولاً، با توجه به اینکه وضع مجازات تعزیری در مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات تحت تأثیر اندیشه‌های حقوقی و از باب رعایت مصالح جامعه و ایجاد اخلاق در نظم و امنیت عمومی صورت گرفته است، نوع ادله اثباتی در احراز آن تأثیرگذار نمی‌باشد. ثانیاً، اطلاق مواد مذکور نیز شامل همه ادله اثباتی در امور کیفری می‌شود و گزینه‌ای هم بر انصراف آن از قسامه وجود ندارد. در مواردی که اثبات مجرمیت فرد با هر کدام از دلایل، اعم از اقرار، شهادت، علم قاضی یا قسامه، صورت می‌گیرد، تبعات و پیامدهای رفتار مجرمانه بر آن بار می‌شود. در جنایات عمدی بر نفس و مادون نفس نیز، مجازات‌های تبعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، ممنوعیت از ارث بری قاتل و اعمال مجازات تعزیری از باب حیثیت عمومی جرم، از جمله آثار مترتب بر آن است که اثبات اصل جنایت با دلیل قسامه مانع از جاری شدن پیامدهای مذکور نمی‌گردد. کما اینکه پیش از جرم‌انگاری حیثیت عمومی قتل به عنوان یکی از آثار تبعی آن، نوع ادله موضوعیت نداشتند. رابعاً، زمانی که مجازات جنبه عمومی جرم در قتل غیر عمد پذیرفته شده است، به طریق اولی این مجازات باید در مورد قاتلان عمدی که به دلیل عروض مانع، امکان قصاص آن‌ها وجود ندارد، نیز جاری شود.

فهرست منابع

۱. آقایی نیا، حسین. (۱۴۰۱ش). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات)*. تهران: نشر میزان.
۲. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیة قم.
۳. اردبیلی، محمد علی. (۱۴۰۱ش). *حقوق جزای عمومی*. تهران: میزان.
۴. ابن ادریس، منصور بن احمد. (۱۴۱۱ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: جامعه مدرسین.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۶. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرایع الإسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۷. حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامیه*. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۸. حلی (علامه)، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعه*. قم: الدراسات الاسلامیه.
۹. حلی (محقق)، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). *شرایع الإسلام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. خالقی، علی. (۱۴۰۰ش). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. تهران: شهردانش.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). *مبانی تکملة المنهاج*. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی(ره).
۱۲. زراعت، عباس. (۱۳۹۷ش). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (ادله اثبات دعوا)*. تهران: جنگل.
۱۳. زراعت، عباس. (۱۳۹۳ش). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (دیات)*. تهران: جنگل.
۱۴. زراعت، عباس؛ متقی اردکانی، امید. (۱۳۹۴ش). *تعارض ادله در اثبات جرایم مستوجب قصاص، دیه و تعزیر؛ مصادیق و راهکارها. آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۲(۱۰)، ۳-۳۴.
۱۵. شهیدی، مهدی. (۱۴۰۱ش). *ارث*. تهران: مجد.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. تهران: المكتبة المرتضویه.
۱۷. عاملی (حر عاملی)، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت(ع).
۱۸. فاضل (اصفهانى)، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). *كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. فتحی، حجت‌الله؛ حسنی، محمد. (۱۳۹۹ش). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (ادله اثبات در امور کیفری)*، (تحت اشراف آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی). قم: دایرةالمعارف فقه اسلامی.
۲۰. قیاسی، جلال‌الدین. (۱۳۹۸ش). *روش تفسیر قوانین کیفری*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. قیاسی، جلال‌الدین؛ ساریخانی، عادل. (۱۳۹۵ش). *حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)؛ مسئولیت کیفری*، (جلد سوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۱ش). *اثبات و دلیل اثبات*. تهران: میزان.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۱ش). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۴. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه. (۱۳۸۹ش). *سلسله پژوهش‌های فقهی حقوقی (جایگاه لوث در قسامه، وحدت قاتل و تعدد مقتول، بی‌هوش یا بی‌حس کردن محکوم علیه هنگام مجازات)*. تهران: جنگل.
۲۵. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه. (۱۳۸۷ش). *گنجینه استفتانات قضایی*. قم.
۲۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. قم: دارالعلم.
۲۷. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۰ش). *جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص*. تهران: میزان.
۲۸. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

